

## بازاندیشی در مفاهیم مرتبط با فرآیندهای رشد و اشکال سکونتی در مناطق کلانشهری

محمد کاظم شمس پویا\*<sup>۱</sup>، جمیله توکلی نیا<sup>۲</sup>، مظفر صرافی<sup>۳</sup>، زهره فنی<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی

۲- دانشیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی

۳- دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۵/۱۱

تأیید نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۲/۲۵

### چکیده

کلانشهرها تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی به سوی نواحی پیرامونی خود گسترش می‌یابند و در این روند منجر به شکل‌گیری اشکال سکونت و فعالیت با ویژگی‌های مختص به خود می‌شوند که شناخت آن از جمله وظایف برنامه‌ریزان شهری محسوب می‌شود. در این نوشتار به دسته‌بندی مفاهیم مرتبط با فرآیندهای فضایی رشد و اشکال سکونتی در مناطق کلانشهری مبادرت شد. تحقیق حاضر از سنخ تحقیقات توصیفی-تحلیلی و از آنجا که در پی کشف و شناسایی متغیرهای مهم و طبقه‌بندی آن‌ها و در برخی موارد ارتباط الگوها با یکدیگر است با تحقیقات اکتشافی سنخیت پیدا می‌کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در میان مفاهیم مورد بررسی، هاله‌های کلانشهری بیش از دیگر اشکال ویژگی تنوع (کاربری زمین، ساختارهای قومی، اجتماعی و اقتصادی) به خود می‌گیرند. هم‌چنین الگوی سکونتگاهی فراشهر و شهرهای لبه‌ای محصول شهرنشینی در کشورهای پیشرفته محسوب می‌شوند، ضمن آنکه توجه به سطوح کلان، میانی و خرد جامعیت بیشتری را به منظور بررسی فرآیند پادشهرنشینی به دست می‌دهد. در ناحیه پیراشهری نیز غالباً رقابتی حذفی بین شهر و روستا صورت می‌گیرد که تداوم چنین روندی به زیان روستا و تخریب اراضی کشاورزی منجر می‌شود. در انطباق با وضعیت و شرایط ایران به نظر می‌رسد بتوان چنین محیط‌هایی را "عرصه‌های نه شهر و نه روستا" نامید. در مجموع توجه به معیارهای کالبدی در بررسی و دسته‌بندی فرآیندهای رشد و اشکال سکونتی ناکافی به نظر می‌رسد، زمانی چنین مطالعه‌ای کامل‌تر می‌شود که معیارهای کالبدی با معیارهای کارکردی، به‌ویژه جریان‌های روستایی - شهری و تبلور آن در پیوندهای روستایی-شهری تکمیل شود.

**واژه‌های کلیدی:** ناحیه پیراشهری، فراشهرنشینی، پادشهرنشینی، هاله روستایی-شهری، شهر-لبه.

## مقدمه

«مفهوم» واژه‌ای است که ویژگی، کیفیت یا رابطه خاصی را توصیف می‌کند. به بیان دیگر، مفهوم تصویری ذهنی است که معرف پدیده‌هاست (پیران و دیگران، ۱۳۸۵). در این نوشتار از مفاهیمی سخن رانده شده است که هر یک در مطالعات شهری و روستایی از اهمیت خاصی برخوردار است. باید گفت که واکاو هر یک از مفاهیم مرتبط با فرآیندهای فضایی رشد و اشکال سکونتی در مناطق کلانشهری کاری بس دشوار می‌نماید، چنین دشواری حکایت از پیچیدگی و پویایی فرآیندها و پدیده‌های فضایی دارد و هنگامی این دشواری دو چندان می‌شود که دریا بیم تعیین مرز، تعریف و ماهیت برای هر یک از مفاهیم با توجه به گستره معنایی آن، تفاوت مناطق و شناور بودن هر یک از مفاهیم بر سختی تحقیق می‌افزاید. در گذر زمان اندیشه و عمل آدمی روند تکامل خود را پیموده است، در این میان علوم و رشته‌های مطالعاتی نیز از چنین تحول و تکاملی به دور نبوده‌اند، اما نباید از خاطر بُرد که تکامل علوم فقط بیان صرف برخی مفاهیم و انعکاس مبانی و شالوده‌های آن علم نبوده و نخواهد بود؛ بلکه بازاندیشی در مبانی و به چالش کشیدن آن از جمله وظایف هر محقق است. بنابراین در این نوشتار به بازاندیشی مفاهیم موجود در مطالعات شهری و روستایی و شناسایی فرآیندهای مؤثر بر اشکال سکونت و فعالیت می‌پردازیم. کلانشهرها تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی به سوی نواحی پیرامونی خود گسترش می‌یابند و در این روند منجر به شکل‌گیری اشکال سکونت و فعالیت با ویژگی‌های مختص به خود می‌شوند. از این‌رو، درک تحولات پیش‌گفته و پیگیری اهداف تحقیق لزوم دسته‌بندی مفاهیم را به میان می‌آورد. به همین منظور در این نوشتار منطق مشخصی برای

دسته‌بندی مفاهیم به کار رفته است. در این راستا نخست، مفاهیم مرتبط با فرآیندهای رشد در منطقه کلانشهری تحت عناوین «حومه‌نشینی»، «فراشهرنشینی»، «پادشهرنشینی» (شهرگریزی) و «پیراشهرنشینی» به بحث گذاشته می‌شود. آن‌گاه در ادامه، هاله کلانشهری به مثابه بازتاب حومه-نشینی و هاله روستا - شهری معرفی می‌شوند. هم‌چنین، از پسرانه، حاشیه‌نشینی و شکل‌گیری شهرهای اقماری به‌عنوان نمود شتاب روند پیراشهرنشینی سخن خواهیم گفت و تأکیدی است بر این نکته که باید در ساختار پیراشهرنشینی برای نقاط و مراکز سکونتگاهی فوق اهمیت قائل شویم و این موضوعی است که در ادامه مبحث پیراشهرنشینی به بحث گذاشته می‌شود. نیز، با توجه به تأثیر فرآیندهای فضایی بر شکل‌گیری پدیده‌ها و فرم‌های فضایی به پیکره-بندی‌های فضایی متفاوتی تحت عنوان «دساکوتا» و «شهر لبه‌ای» برمی‌خوریم که پس از معرفی و تحلیل فرآیندهای رشد در منطقه کلانشهری و عناوین فوق، پدیده‌های مورد اشاره تشریح می‌شوند.

## مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از آنجا که با چگونه بودن مفاهیم و چرایی آن، هم‌چنین مطالعه ویژگی‌ها و صفات آنها سر و کار دارد با تحقیقات توصیفی-تحلیلی و با توجه به اینکه در پی کشف و شناسایی متغیرهای مهم هر یک از مفاهیم و طبقه‌بندی آن‌ها و در برخی موارد ارتباط الگوها با یکدیگر است با تحقیقات اکتشافی سنخیت پیدا می‌کند. مقایسه مفاهیم گوناگون تحقیق کیفی در رابطه با نمونه-گیری نشان می‌دهد که اصل انتخاب تدریجی موارد و موارد برتر از نظر گلاسر و استراوس به کار

مفهوم‌شناسی این نوشتار را به خود اختصاص می‌دهد.

#### حومه‌نشینی

برگردان مستقیم حومه "فراسوی شهر" است و می‌تواند به هرگونه سکونتگاه در پیرامون یک شهر بزرگ اطلاق شود. اگرچه از لحاظ فیزیکی از شهر مرکزی جدا است، با این حال به لحاظ اقتصادی ساکنان حومه برای تأمین شغل خود به شهر وابسته هستند (فیشمن، ۱۹۸۷). همچنین، اصطلاح حومه اشاره به بخش بیرونی شهر دارد که بتوان آن را در یک فاصله زمانی به صورت رفت و برگشت از یک شهر یا ناحیه شهری آن را پیمود (بیلی، ۲۰۰۵). گسترش حومه‌ها با پیشرفت‌های فن‌آوری در حمل و نقل نیز امکان‌پذیر شد. در بریتانیا، جنبش باغ شهر در تلاش بود تا مسکن و اجتماعات خوبی که با استانداردهای مطلوبی ساخته شده بود. ابنزر هوارد با ایده باغ شهر خود می‌کوشید تا چهره بهتری از شهر و شهرک‌ها ایجاد کند (بیلی، ۲۰۰۵). رنه شرت و همکاران (۲۰۰۷) سیر تحول تاریخی حومه‌های آمریکا را در ۴ عنوان بررسی نموده‌اند که عبارتند از: آرمانشهر حومه‌ای، همگونی حومه‌ای، تنوع حومه‌ای، و دوگانگی حومه‌ای.

آرمانشهر حومه‌ای: حومه به‌ویژه در قرن ۱۹ به منزله مکانی ایده‌آل برای زندگی سالم و مأمنی برای ثروتمندان در مقابل محیط خشن و زنده شهر به حساب می‌آمد. نخبه‌ها و خانواده‌های مرفه به سوی هاله شهر حرکت می‌کردند. در نخستین مرحله توسعه حومه‌ها انحصاری، امن، پاک و منطبق با استانداردها و جذاب بودند که فیشمن (۱۹۸۷) آن را به‌عنوان «آرمانشهر بورژوازی» توصیف می‌کند.

همگونی حومه‌ای: تمرکززدایی گسترده مسکن و اشتغال پس از چنگ جهانی دوم و دوره تولید

برده شده است. نمونه‌گیری در فرآیند تحقیق کیفی در سه مرحله جمع‌آوری اطلاعات، تفسیر اطلاعات و در حین ارائه یافته‌ها به کار گرفته می‌شود (نوروزی و بیدهدی، ۱۳۸۹).

در این نوشتار، در این باره که کدام یک از منابع مهم باید بیشتر مورد بررسی، یعنی توصیف و تحلیل قرار گیرد (نمونه‌گیری موارد مهم) و به طور کلی کدام قسمت‌های محتوی و متن تهیه شده باید برای تفسیر یا برای تفسیرهای جزئی ویژه انتخاب شوند (نمونه‌گیری از موارد مهم) و بالاخره کدام موارد یا قسمت‌های متن بهتر می‌تواند برای توصیف یافته‌ها مورد استفاده قرار گیرد (نمونه‌گیری در حین ارائه یافته‌ها)، تصمیم گرفته شد.

#### بحث و نتایج

به‌منظور پیگیری اهداف تحقیق، مفاهیم مرتبط با فرآیندهای فضایی رشد و اشکال سکونتی در مناطق کلانشهری در ۴ عنوان «حومه‌نشینی»، «فرانشهرنشینی»، «پادشهرنشینی» (شهرگریزی) و «پیراشهرنشینی» معرفی و تفسیر می‌شوند. هاله کلانشهری به مثابه بازتاب حومه‌نشینی در ذیل این عنوان به بحث گذاشته می‌شود. مجموعه عوامل و سیاست‌هایی موجب شتاب گرفتن روند پیراشهرنشینی می‌شوند که در این نوشتار پسرکرانه، حاشیه‌نشینی و شهرهای اقماری به‌عنوان نمودی از این روند گسترش و در ادامه پیراشهرنشینی تحلیل می‌شوند، ضمن آنکه از الگوی سکونتگاهی مجزایی تحت عنوان "عرصه-های نه شهر-نه روستا" یاد می‌کنیم. اما، فرآیندهای فضایی رشد در مناطق کلانشهری به شکل‌گیری پدیده‌هایی تحت عنوان «دساکوتا» و «شهر لبه‌ای» نیز منجر می‌شود که بحث پایانی

پیراشهری، مسئله مالکیت زمین و نقش فرآیندهای جمعیت‌شناختی بر توسعه هاله (از هجوم سازمان یافته یا تدریجی به زمین گرفته تا تقسیم مجدد آن توسط مالکان زمین و یا مُحترکان) از دیگر ویژگی‌های هاله کلانشهری در آسیا است (برودر و همکاران، ۱۹۹۵). از مهم‌ترین ویژگی‌های هاله کلانشهری در کشورهای توسعه‌یافته به‌ویژه آمریکا نیز می‌شود به مواردی مانند رشد شتابان جمعیت و طیفی از منازعات و کشمکش‌ها در ارتباط با کاربری زمین در برخی نواحی مشخص اشاره کرد (میچل، ۱۹۷۶).

**هاله روستا-شهری:** هاله روستا شهری، پهنه در حال تغییر بین شهر مرکزی و پسرانه است که با تغییر شتابان کاربری زمین (ساتاری و همکاران، ۲۰۱۳)، قطعه‌قطعه شدن اراضی و تغییر آن برای کاربری‌های شهری و تفریحی مشخص می‌شود (فیور، ۱۹۸۲) و می‌توان آن را به دو هاله شهری و هاله روستایی تقسیم کرد (پریر، ۱۹۶۸). از دیدگاه نظریه‌های اکولوژیکی هاله روستا شهری می‌تواند به‌عنوان ناحیه حاشیه‌ای تلقی شود. موقعیت حاشیه‌ای هاله روستا شهری به دلیل مکان جغرافیایی، نوع خاک و یا توپوگرافی آن نیست، بلکه به علت میزان دسترسی ویژه آن به برخی نقاط حمل و نقل مرکزی و اصلی است - (فایری، ۱۹۷۳). کاربری زمین، مسئله مهم هاله روستا-شهری است. تغییر اراضی غیر مسکونی به کاربری مسکونی و اراضی تولید مواد غذایی (عمدتاً معیشتی) به زمین‌های کشت نقدی (برای فروش) برخی از مهم‌ترین این تغییرات است (ننگرو، ۲۰۱۱).

**هاله شهری/روستایی:** تی. ال. اسمیت برای نخستین بار در سال ۱۹۳۷ در مقاله خود در رابطه با لوئیزیانا بحث «هاله شهری» را برای اشاره به ناحیه ساخته شده‌ای که بیرون از محدوده بلافاصل

انبوه استاندارد، تصویری از حومه شهر آمریکایی به‌عنوان مکانی همگن با آیین و قراردادهای مختص به خود را ترسیم می‌کرد.

**تنوع حومه‌ای:** حومه، افزون بر سکونت طبقه سفیدپوست، محلی برای طبقات کارگر و سیاه-پوست نیز می‌شود. در طبقه‌بندی و تشخیص حومه، معیارهایی همچون مهاجرت طبقه سیاه-پوست از شهرهای مرکزی، درون‌کوچی بزرگ مقیاس افراد در خارج متولد شده نیز به مطالعات افزوده شد.

**دوگانگی حومه‌ای:** با دو عنصر متضاد تعریف می‌شود: رشد پراکنده لبه و زوال حومه داخلی. برای مثال، حومه‌های صنعتی و حومه‌های طبقه کارگر در انقلاب صنعتی در دوره اخیر با پارک‌های اداری و خرده فروشی در حومه‌های بیرونی جایگزین شده‌اند. برخی از محققان به چنین رشد پراکنده حومه‌ها عنوان "شهرهای لبه‌ای" می‌دهند.

**هاله کلانشهری:** پس از جنگ جهانی دوم، موضوع رشد سکونتگاه‌های هاله کلانشهری در کشورهای در حال توسعه مورد توجه محققان و برنامه‌ریزان شهری قرار گرفت. این سکونتگاه‌ها از سویی به-مثابه حلبی‌آبادهای روستایی راکد و از سوی دیگر به منزله مراکز رشد پویا با فعالیت‌های اقتصادی جدید هم در بخش روستایی و هم در بخش شهری تلقی شده‌اند (برودر و همکاران، ۱۹۹۵). ارائه گونه‌شناسی کلی از هاله کلانشهری مشکل است. از مهم‌ترین ویژگی‌های هاله کلانشهری به-ویژه در آسیا، ویژگی روستایی‌بودن آن است. در برخی موارد، به‌عنوان فضای اجتماعی انتقالی یا مکان اقامت موقت برای تازه‌واردان به مرکز کلانشهری عمل می‌کند. رواج مهاجرت گام به گام و حفظ پیوندهای مهاجران با اقتصاد روستایی، اهمیت اقتصاد غیر رسمی یا خاکستری در نواحی

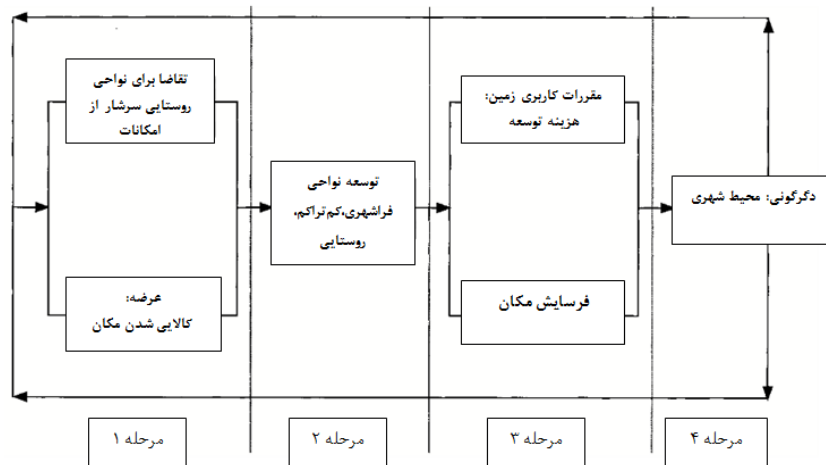
۱۹۹۷). از آن زمان تاکنون تحقیقات بسیاری در این زمینه صورت گرفته است و بر دامنه آن نیز افزوده می‌شود. البته این اصطلاح، نخستین بار در ۱۹۵۵ به وسیله آگوست اسپکتورسکی به کار برده شد (نلسون و سانچز، ۱۹۹۷؛ سوتون و همکاران، ۲۰۰۶) که به تدریج دیگر محققان نیز به بسط آن یاری رسانده‌اند. برای نمونه، اسپرزا و کروتز (۲۰۰۰) فراشه‌نشینی را به ۴ مرحله تقسیم کرده‌اند: مرحله اول، مربوط به ارتباطات عرضه و تقاضا است که مصرف‌کنندگان و توسعه‌گران را در بازار زمین روستایی گردهم می‌آورد. تقاضا، ریشه در تمایلات روستاییان به زندگی در محیطی مطلوب و هزینه‌های نسبتاً پایین زندگی در روستا اشاره دارد. توسعه‌گران از جمله متقاضیان زمین هستند که به دنبال سودهای بالا و محیطی نسبتاً عاری از مقررات هستند. مرحله دوم، تبدیل زمین‌های روستایی منجر به فراشه‌نشینی می‌شود که با تراکم پایین سکونت در استفاده از قطعات بزرگ اراضی همراه است که قبلاً فضای باز طبیعی بوده است. توسعه زمین فراشه‌نشینی منجر به ۲ پیامد مرحله سوم می‌شود. در مرحله سوم، برنامه‌ریزان می‌کوشند تا با تدوین مقررات کاربری زمین از گسترش توسعه به بیرون جلوگیری کنند و اثرات منفی آن را کاهش دهند. ثانیاً، توسعه در نواحی روستایی کم‌کم موجب از بین رفتن امکانات محیط می‌شود که ساکنین در وهله نخست به دلیل آن به نواحی فراشه‌ری جذب شده‌اند. در مرحله بعد، محیط روستایی دگرگون شده است. گسترش فضایی بافت شهری نیز مربوط به این مرحله است. این تغییرات موجب می‌شود تا این فرآیند دوباره از نو آغاز شود، اما در فاصله‌ای دورتر. به گونه‌ای که مصرف‌کنندگان برای دستیابی به امکانات و مطلوبیت‌های محیط و هزینه‌های پایین‌تر زندگی کم‌کم به نواحی

شهر قرار گرفته است به کار برد. ویژگی‌های هاله شهری از یک شهر به شهر دیگر و از یک زمان به زمان دیگر متفاوت است. هاله شهری را می‌توان زیر پهنه هاله روستا شهری دانست که در مجاورت و پیوند با شهر مرکزی است و تراکم مسکونی بالاتری نسبت به تراکم متوسط کل هاله روستا شهری، نرخ بالاتری از تراکم جمعیت، تغییر و تبدیل کاربری زمین و سفرهای آونگی دارد. هاله روستایی نیز زیر پهنه هاله روستا شهری است که در مجاورت با هاله شهری است و تراکم مسکونی کمتری از تراکم متوسط کل هاله روستا شهری دارد، هم‌چنین، نسبت بالاتری از مزارع و نرخ پایین‌تری از تراکم جمعیت و سفرهای آونگی را داراست (پرایر، ۱۹۶۸). شایان ذکر است که گسترش هاله شهری، مسائل بسیاری مانند تغییر در الگوی مالکیت زمین، فرآیندهای واگذاری زمین و انواع توسعه را شامل می‌شود (موسوم، ۲۰۰۹). توسعه سیستم حمل و نقل، وجود فن‌آوری‌های سطح بالا در هاله شهری و رشد مهاجرت طبقه متوسط از مراکز شهری به هاله شهری، نقش سیاست دولت و برنامه‌ریزی شهری برای تمرکززدایی از کلانشهر، هم‌چنین رشد تقاضای مسکن در مرکز شهرهای اصلی و بزرگ و عدم پاسخگویی به آن، از جمله دینامیک‌های رشد هاله شهری به‌ویژه در کشورهای غربی به شمار می‌روند (فنگ، ۲۰۰۴).

#### فراشه‌نشینی

پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده آمریکا از شهرهای متمایز و منحصر به فرد، شهرک‌های کوچک، مزارع، ترکیبی از بیابان، جنگل و زمین‌های گسترده تشکیل شده بود. در سال ۲۰۰۰ بیشتر چشم‌اندازهای روستایی در ۱۰۰ مایلی مراکز شهری یا لبه‌های شهری به چشم‌انداز "فرا شهری" تبدیل شدند (نلسون و سانچز،

دوردست سفر می‌کنند و توسعه‌گران از قوانین و مقررات اجتناب می‌کنند و بر روی نواحی بکر سرمایه‌گذاری می‌کنند. (شکل ۱)



شکل ۱: فرآیند توسعه فراشهرنشینی، مأخذ: اسپرزا و کروترز، ۲۰۰۰.

است که جابجایی خدمات و صنایع به نواحی روستایی، خانه‌های دوم و مهاجرت در ایام بازنشستگی نیز نقش مهمی در این فرآیند ایفا می‌کنند. میشل بیان می‌کند که به سبب پیشرفت فن‌آوری، پادشهرنشینی به قرار گرفتن در فواصل معینی از مراکز کلانشهری محدود نمی‌شود - (مدسن و همکاران، ۲۰۱۰). این‌گونه بحث می‌شود که انگیزه اصلی شهرگریزی تمایل به جایگزینی سبک زندگی شهری با زندگی روستایی است (فیشر، ۲۰۰۳). فلدینگ (۱۹۸۹) چنین استدلال کرده است که شهرنشینی با ارتباط مستقیم بین اندازه سکونتگاه و نرخ مهاجرت خالص و پادشهرنشینی با ارتباط منفی بین اندازه سکونتگاه و نرخ مهاجرت خالص قابل تفسیر است. اما، چمپیون (۱۹۸۹) معتقد است که «اشتباه است اگر پادشهرنشینی را فقط به‌عنوان ارتباط بین نرخ تغییر جمعیت و اندازه سکونتگاه تلقی کنیم، بلکه ضرورت دارد آن را پیامد ترکیب فرآیندهای بازساخت اقتصادی، تغییر شیوه زندگی و تکامل کلانشهری در نظر بگیریم. گی‌یر و

در واقع، فراشهر بخشی از یک سیستم شهری است. الگوی فراشهری نشانگر فرآیندهای بین منطقه‌ای است. ارتباط روشنی بین نوع الگوی فراشهری و متغیرهای در مقیاس کلانشهری وجود دارد که نشان‌دهنده تمرکززدایی شهری است. هم‌چنین، الگوی فراشهری با بسیاری از فرآیندهای منطقه‌ای که فرم شهری ناحیه کلانشهری را شکل می‌دهد؛ مانند تفرق اداری و سازمانی، تمرکززدایی اشتغال و تنوع اقتصادی در ارتباط است (کلارک و همکاران، ۲۰۰۶).

#### پادشهرنشینی (شهرگریزی)

پادشهرنشینی (شهرگریزی) در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی به‌وقوع پیوست (مدسن و همکاران، ۲۰۱۰) و می‌شود گفت که با تمرکززدایی از جمعیت در ارتباط است. این فرآیند در بریتانیا و دهه ۱۹۶۰ روی داد و با نرخ بالایی در سال‌های نخستین دهه ۱۹۷۰ نیز ادامه یافت. از آن پس، تغییرات چشمگیری در نرخ جمعیت مراکز کلانشهری بزرگ‌تر، به‌ویژه لندن صورت گرفت (چمپیون، ۱۹۸۹). شاپان ذکر

کانتولی مفهوم «شهرنشینی دیفرانسیل» را بررسی کرده و از این رهگذر چرخه‌های توسعه شهری را شرح داده‌اند. در واقع، نظریه شهرنشینی دیفرانسیل «چرخه‌های» پیوسته توسعه شهری را ارائه می‌کند. هر کدام از این چرخه‌ها سه دوره تکاملی «شهرنشینی»، «واگرایی قطبی» و «پادشهرنشینی» (شهرگریزی) را در نظر می‌گیرد. ویژگی‌های هر دوره به شرح زیر است:

در دوره شهرنشینی، تمرکز فزاینده‌ی فعالیت‌های اقتصادی و جمعیت کشور در تعداد کمی از مراکز به شدت در حال رشد و افزوده شدن مراکز جدید به مراتب پایین سلسله مراتب شهری (دوره نخست شهری) را می‌توان شاهد بود. دوره نخست شهری به سه مرحله تقسیم می‌شود. «مرحله آغاز نخست شهری» با جذب درصد زیادی از جریان‌های بین منطقه‌ای مشخص می‌شود. «مرحله میانی نخست شهری» که نخست شهر هنوز به شدت تک‌مرکز است و این مرکز همراه با حومه‌نشینی به مثابه پدیده غالب به طور شدیدی رشد می‌کند. «مرحله پیشرفته نخست شهری» مرحله‌ای است که نخست شهر آن‌قدر بزرگ می‌شود که به واسطه عدم صرفه‌های تجمع، ساختار شهری تک‌مرکزی سلطه خود را از دست می‌دهد. در طول این دوره، شهرهای موجود به مراتب و سطوح بالاتر وارد می‌شوند و مراکز جدیدی به مراتب پایین‌تر اضافه می‌شوند. تکامل شهر برتر معمولاً با رشد شهرهای میانه اندام نزدیک به شهر برتر همراه است. در سطح ملی این برگشت ماهیت «واگرایی قطبی» نامیده می‌شود که در برخی از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه همچون ایالات متحده، فرانسه، هند، آفریقای جنوبی، کره جنوبی و ونزوئلا مشاهده شده است. در این مدل به دوره دوم توسعه شهری دوره شهرهای متوسط و دوره آخر، دوره شهرهای

کوچک اطلاق می‌شود. دوره تسلط شهرهای متوسط دو مرحله مجزا دارد. مرحله آغازین شهر متوسط که با رشد شتابان تعدادی از شهرهای متوسط اندام نزدیک کانون اصلی شهر برتر (نه نزدیک به منطقه کلانشهری اصلی) آغاز می‌شود. در این مرحله مراکز حومه‌ای درون منطقه کلانشهری اصلی سریع‌تر از شهر مرکزی رشد می‌کنند. در مرحله پیشرفته شهر متوسط‌اندام، تمرکززدایی درون منطقه‌ای یا حومه‌نشینی که با توسعه مرحله‌ی شهر برتر مشخص می‌شود، رشد سریع‌تر شهرهای میانه اندام، اما در مقیاس کوچک‌تر نیز تکرار می‌شود. در پایان، نظام شهری به مرحله رشد شهرهای کوچک وارد می‌شود، این دوره را دوره «پادشهرنشینی» (شهرگریزی) نیز می‌گویند. در طول این دوره، تمرکززدایی از شهرهای برتر و میانه اندام به سوی مراکز شهری کوچک روی می‌دهد. در پایان دوره شهرهای کوچک، نظام شهری به نقطه اشباع می‌رسد. نظر به اینکه در این مرحله افزایش طبیعی جمعیت ممکن است بسیار پایین یا حتی منفی باشد و مهاجرت در سطح نسبتاً پایینی باشد، به طور کلی رشد شهری در شهرهای کوچک خواهد بود (گیر و کانتولی، ۱۹۹۳؛ یزدانی و همکاران، ۱۳۸۶). یزدانی و دیگران (۱۳۸۶) با آزمون نظریه «شهرنشینی دیفرانسیل» در مورد ایران چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که نظام شهری ایران این دوره شهرنشینی را از سال ۱۹۵۰ آغاز کرده و سه مرحله این دوره را به ترتیب تا سال ۱۹۷۵ گذرانیده است. همین‌طور از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ دو مرحله مربوط به دوره «واگرایی قطبی» را طی کرده و به دوره «شهرگریزی» وارد می‌شود. نتایج به دست‌آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که به طور کلی نظریه شهرنشینی دیفرانسیل با روند

جایی است که ترکیب ویژگی‌های شهری و روستایی ساختارهای مرکب و درهم‌بافته‌ای ایجاد می‌کند (استویکا و همکاران، ۲۰۱۰). در دسته-بندی جامع‌تری، برخوردگاه پیراشهری به مثابه پیرامون و لبه شهر؛ به منزله سیستم اجتماعی-اقتصادی؛ به مثابه تعامل جریان‌های روستایی-شهری (آلن و همکاران، ۱۹۹۹) و از منظر نهادی (آلن، ۲۰۰۳) نگرین شده است. پیراشهرنشینی نیز به فرآیندهای درحال‌گذاری اطلاق می‌شود که فراسوی لبه ساخته شده شهرهای بزرگ رخ می‌دهد (مانپانگ و وبستر، ۲۰۰۸) و موضوع جدیدی در ادبیات برنامه‌ریزی نیست. برای نمونه ابنزر هاوارد (۱۸۹۸) با ایده "باغ شهر" گسترش شهرهای اروپایی را با ترسیم مرز بین شهر و نواحی پیرامون آن توضیح داد (هودالا، ۲۰۱۰). این را اضافه کنیم که شایسته است ویژگی‌ها و سرشت پیراشهر در سطح نواحی و نه فقط یک نقطه مجزا بررسی شود تا درک مناسبی از جریان-ها و پیوندهای پیراشهر با پیراشهر و پیراشهر با نقاط شهری و روستایی فراهم آید. از این رو مفهوم در حال‌گذار و اصطلاحاتی از این دست، شناخت کافی از ویژگی‌های نواحی پیراشهری به دست نمی‌دهد. دیگر آنکه، اصطلاح درحال‌گذار در تعاریف مربوطه، لزوماً به معنای مثبت نیست. در مجموع، عوامل و نیروهای مؤثر بر شکل‌گیری نواحی پیراشهری عبارتند از: (۱) عوامل مؤثر بر گسترش شهر: منتج از رشد اقتصادی و جمعیت است که منجر به تقاضای مسکن و تقاضا برای نواحی تجاری می‌شود (راوتز و همکاران، ۲۰۱۳)، (۲) انباشتگی‌های منطقه‌ای و پیوندهای شهری-روستایی: تأثیر فرآیندهای بازساخت اقتصادی روستایی، تغییرات بازار زمین و مدرنیزاسیون کشاورزی و تأثیر آن در شتاب بخشیدن به روند انباشتگی (راوتز و همکاران، ۲۰۱۳) (۳) نیروهای

نظام شهری ایران تطابق دارد؛ اگرچه برخی تفاوت‌ها را هم در نظام شهری ایران نشان می‌دهد.

### پیراشهرنشینی

در گام اول، پیراشهر، ناحیه پیراشهری و برخوردگاه پیراشهری معرفی می‌شود، آن‌گاه در ادامه پیراشهرنشینی و سازوکار آن تشریح می‌شود. در تعریفی می‌شود گفت که پیراشهر، فضایی در پیرامون نواحی شهری است که با چشم‌اندازهای روستایی درهم آمیخته می‌شود (پیور و همکاران، ۲۰۱۱). در کشورهای صنعتی قدیمی‌تر یا کشورهای پسا صنعتی، پیراشهر ناحیه‌ای با تغییرات اجتماعی، اقتصادی و بازساخت فضایی و در کشورهای به تازگی صنعتی شده و بیشتر کشورهای در حال توسعه، پیراشهر ناحیه‌ای با شهرنشینی آشفته است که منجر به پراکنده‌رویی می‌شود. در هر دو مورد پیراشهر نه تنها به هاله بین شهر و پیرامون آن و پهنه در حال‌گذار گفته می‌شود، بلکه گونه جدیدی از قلمرو چندعملکردی تلقی می‌شود. ویژگی‌های مشترکی در این نواحی مشاهده می‌شود که عبارتند از: اجتماعات پراکنده و فقدان حکمروایی فضایی (راوتز و همکاران، ۲۰۱۳). ناحیه پیراشهری می‌تواند به لحاظ فضایی و بر حسب فرم و ساختار فضایی، ترکیبی از عوامل فضایی و کارکردی و یا در ارتباط با نواحی کلانشهری تعریف شود. به صورت ساده، ناحیه پیراشهری به ناحیه‌ای گفته می‌شود که از لبه شهر به سوی پسرانه روستایی گسترده می‌شود. ناحیه پیراشهری الگوی سکونتگاهی متمایزی دارد که نه شهری است و نه روستایی، اما می‌شود به آن نام برخوردگاه و پهنه در حال‌گذار اطلاق کرد (باکستون و همکاران، ۲۰۰۶). هم‌چنین، برخوردگاه پیراشهری به پهنه درحال‌گذار بین شهر و نواحی پیرامونی آن گفته می‌شود (پیور و همکاران، ۲۰۱۱؛ ادل، ۱۹۹۹) و



است. برخی دیگر از مراکز پیراشهری نیز روستا-شهرهای پرجمعیتی هستند که با وجود فعالیت-های شهری در این مراکز روستایی تاکنون عنوان شهر به آن‌ها اطلاق نشده است. چه تبدیل نقاط روستایی به نقاط شهری، چه الحاق روستاها به شهرها و چه ادغام روستاها با یکدیگر و تشکیل یک نقطه شهری عمدتاً روستاهای بزرگ و پرجمعیت را دربر دارند. مراکز روستایی در هاله کلانشهری تهران که از طریق ادغام چند روستا با یکدیگر به شهر تبدیل شده‌اند و یا به تنهایی عنوان شهر به آنها اطلاق شده است را می‌توان به-عنوان مراکز پیراشهری برشمرد که تحت‌تأثیر رشد و گسترش کلانشهر و فرافکنی جمعیت و فعالیت از کلانشهر و دیگر شهرهای اصلی منطقه کلانشهری در روند شهری‌شدن و تحولات شهرنشینی قرار گرفته‌اند. برخی از مراکز روستایی پرجمعیت نیز با وجود جمعیت بالای ده هزار نفری همچنان عنوان روستا به آن‌ها اطلاق می-شود، اما ترکیب ویژگی‌های شهری با ویژگی‌های روستایی این مراکز آن‌ها را از روستاها متمایز می-سازد و عنوان روستا-شهرها را می‌شود به آن‌ها اطلاق نمود و آن‌ها نیز گونه‌ای دیگر از مراکز پیراشهری به شمار می‌آیند (مهندسان مشاور آمایش و توسعه البرزالف، ۱۳۸۸ به نقل از آشنایی، ۱۳۹۲).

ساختاری و جهانی-محلی: تأثیر نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی (تأثیر جهانی‌شدن و روند مقابل آن یعنی محلی‌شدن). رویکرد ساختاری فراتر از کاربری زمین به نیروهای تأثیرگذار قدرت، ثروت و ایدئولوژی توجه دارد - (راوتز و همکاران، ۲۰۱۳؛ پیور و همکاران، ۲۰۱۱). مراکز سکونتگاهی در هاله کلانشهری تهران (عناصر سکونتی در ساختار پیراشهرنشینی) را می‌توان به شهرهای اصلی؛ شهرهای اقماری (شهرهای جدید)؛ شهرک‌های مسکونی (به همراه مجتمع‌های طرح مسکن مهر)؛ مراکز پیراشهری (شهرهای با پیشینه روستایی) و روستا، روستا-شهر دسته‌بندی کرد. همان‌گونه که در مطالعات طرح آمایش استان تهران نیز به آن اشاره شده است در اثر فرافکنی جمعیت و فعالیت و سرریز توسعه از کلانشهر تهران مراکز پیراشهری همچون اسلامشهر، رباط کریم، قدس و قرچک شکل گرفته است. طی دوره‌های آتی با رشد و توسعه چنین مراکز پیراشهری و تبدیل شدن آن به مراکز شهری و پرجمعیت منطقه، چرخه سرریز توسعه از این مراکز شهری با پیشینه روستایی به شکل-گیری نواحی پیرامونی و مراکز پیراشهری جدیدی همچون اکبرآباد و گلستان در دهه ۱۳۷۰ (در مرحله اول) و مراکز پیراشهری صالح‌آباد و نصیرآباد در دهه ۱۳۸۰ (مرحله دوم) منجر شده

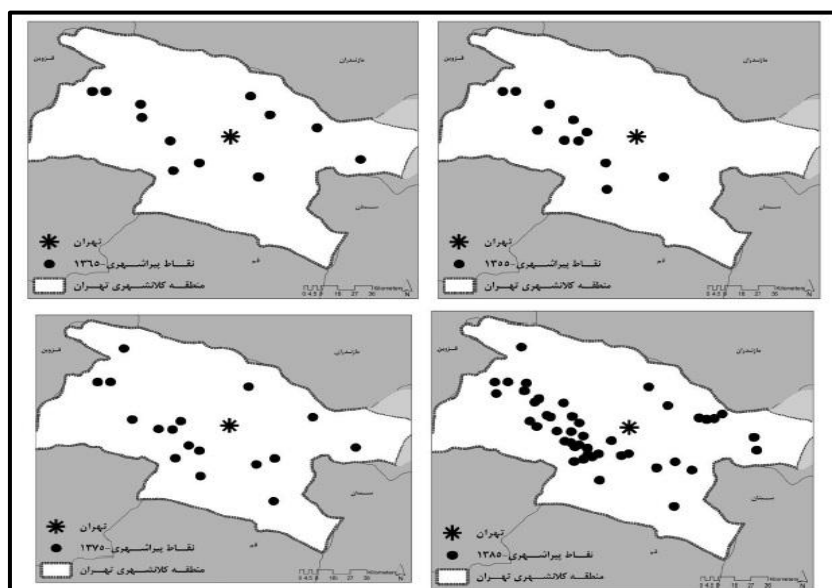
جدول ۱: سهم اشکال سکونتی از جمعیت شهری منطقه کلانشهری تهران و نرخ رشد جمعیت (۱۳۵۵-۱۳۹۰)

۱۳۹۰		۱۳۵۵		اشکال سکونتی
درصد	جمعیت	درصد	جمعیت	
۶۰/۳۷	۸۱۵۴۰۵۱	۹۴	۴۵۳۰۲۲۳	کلانشهر تهران (تجریش و ری)
۱۴/۳۷	۱۹۴۱۱۹۵	۴/۰۸	۱۹۶۹۶۰	شهرهای اصلی منطقه (شهرهای موجود در سال ۱۳۴۵)
۱/۳۷	۱۸۵۵۲۱	-	-	شهرهای جدید
۲۴/۰۹	۳۲۵۴۱۸۲	۱/۹	۹۲۴۳۶	نقاط پیراشهری (روستاها تبدیل شده به شهر)
۱۰۰	۱۳۵۰۶۲۱۶	۱۰۰	۴۸۱۹۶۱۹	مجموع جمعیت شهری منطقه کلانشهری تهران

مأخذ: براساس داده‌های مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵-۱۳۹۰

این دوره رشد بالایی را تجربه کرده‌اند. طی این مدت آبادی‌ها و شهرهای کوچک واقع در دشت‌های حاصلخیز جنوب و غرب تهران و کرج، با رشدی فوق‌العاده، بزرگ و بزرگ‌تر شده‌اند و مراکز سکونتی جدیدی نیز، در مدتی کوتاه، در اطراف آن‌ها شکل گرفته‌اند. آمارهای جدید مربوط به سرشماری ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که در حال حاضر بجز این مناطق، سکونتگاه‌هایی مانند صباشهر در حوزه شهرستان شهریار، با رشد جمعیتی ۲۱ درصد، پاکدشت با رشد ۱۰/۳ درصد، باغستان با رشد ۶/۵ درصد و شریف‌آباد با رشد ۶/۸ درصد بیشترین نرخ رشد جمعیت را داشته‌اند که بجز پاکدشت هر سه از آبادی‌های منطقه هستند که در اثر جمعیت‌پذیری بالا به شهر تبدیل شده‌اند - (لاله‌پور و سرور، ۱۳۹۳).

رویه‌مرفته، به لحاظ ویژگی‌های جمعیت‌پذیری، نقاطی که در مرحله اول رشد جمعیتی بالایی داشته‌اند عمدتاً در مرحله دوم، رشد جمعیتی آن‌ها کاهش می‌یابد و در عوض، آبادی‌های پیرامون آن‌ها رشد جمعیتی بالایی را آغاز می‌کنند. به عبارتی در مرحله اول، موقعیت استقرار این سکونتگاه‌ها نسبت به شهر تهران، این مراکز را به نقاط جاذب جمعیت تبدیل کرده است و در مرحله دوم این سکونتگاه‌ها خود به عامل جاذب جمعیت در مراکز کوچک سکونتگاهی پیرامون تبدیل گشته‌اند؛ به طوری که در مرحله دوم تکامل منطقه کلانشهری تهران (۷۵-۵۶، ۸۵-۷۵ و ۹۰)، آبادی‌های پیرامون نقاط جمعیت‌پذیر در مرحله اول همچون اکبرآباد، سلطان‌آباد، باقرآباد، مشکین‌دشت، نصیرآباد، محمدآباد و کمال‌آباد در



شکل ۲: روند رشد و پراکنش نقاط پیراشهری در منطقه کلانشهری تهران، ۱۳۵۵-۱۳۸۵  
 مأخذ: آشنایی و همکاران، ۱۳۹۴ با اقتباس از مرکز آمار ایران.

مستعد زراعی در منطقه شده است. هم‌چنین رشد جمعیت شهرنشین و گسترش مساحت زمین‌های شهری نه در شهرهای اصلی و شهرهای جدید،

باید افزود که گسترش پیراشهرنشینی و رشد فزاینده شهرنشینی در نواحی روستایی پیرامونی تهران و تداوم این روند موجب از بین رفتن اراضی

نواحی پیراشهری (شامل هاله شهری و نواحی پیرامونی شهری) و پسرکرانه روستایی که نواحی روستایی پیرامون ناحیه پیراشهری که درون منطقه روستا-شهری و قابل دسترس در زمان رفت و آمد روزانه است را در بر می‌گیرد (پیور و همکاران، ۲۰۱۱). نکته قابل ذکر، دامنه نفوذ و شعاع پرتوافشانی پسرکرانه کلانشهرهاست که، گاهی چنین تأثیری فضای شهرها و مناطق را درمی‌نوردد و نشان و تأثیر خود را بر مناطق وسیع و در سطح ملی نیز بر جای می‌گذارد.

### شهرهای اقماری

خاستگاه شهرهای اقماری به اروپای غربی و دهه ۱۹۴۰ برمی‌گردد و هدف از آن محدود کردن رشد مفرط برخی از مراکز شهری بود که توسط کمیسیون بارلو در سال ۱۹۴۰ برای لندن پیشنهاد شد (پرز و گونزالز، ۲۰۰۵). شهرهای اقماری معمولاً به منزله توسعه‌های جدید یا توسعه‌های گسترده به سوی سکونتگاه‌های موجود تعریف می‌شوند که به واسطه کمربندهایی از مرکز کلانشهری جدا شده است. برنامه‌ریزان استدلال می‌کنند که باید محدودیت‌هایی بر رشد مرکز کلانشهری اعمال شود و توسعه مراکز منفصل درون منطقه کلانشهری تشویق شود. طرح لندن بزرگ که در سال ۱۹۴۴ توسط پاتریک ابرکرامبی تهیه شده بود، بر این پایه بود که لندن در نواحی مرکزی بیش از حد متراکم شده بود و مردم نیاز دارند به نواحی پیرامونی دسترسی داشته باشند و مسائل مسکن، حمل و نقل، ازدحام و آلودگی باید از طریق تمرکززدایی حل شود. بنابراین برای جلوگیری از رشد فیزیکی آن باید با کمربند سبز احاطه شود و جمعیت موجود نواحی مرکزی پرجمعیت به شهرک‌های جدید و گسترده در خارج از کمربند سبز سرازیر شود (سورنسن،

بلکه در روستاهای تبدیل‌شده به شهر(نقاط پیراشهری) افزایش چشم‌گیری دارد (آشنایی و همکاران، ۱۳۹۴). در مجموع، بر مبنای مطالعات پیش گفته و در راستای تکمیل آن و در انطباق با وضعیت و شرایط ایران، به‌ویژه منطقه کلانشهری تهران به نظر می‌رسد بتوان چنین محیط‌هایی را "عرصه‌های نه شهر و نه روستا" نامید.

پسرکرانه شهری/پسرکرانه روستایی شهر: مراکز کلانشهری، تأثیر چشمگیری بر قلمرو گسترده پیرامون خود می‌گذارند که پسرکرانه نامیده می‌شود. سردرگمی‌هایی در مورد تفاوت بین هاله روستا-شهری با پسرکرانه وجود دارد. این موضوع بازتاب عدم وجود مرزهای روشن بین چنین نواحی است. با این حال، در پسرکرانه؛ مردم، کالاها، سرمایه و تعاملات اجتماعی، اداره و تدارک خدمات در جریان است و جهت‌گیری و گرایش افراد در برخی از جنبه‌ها و یا تمامی این موارد به سوی شهر است. اما، در هاله شهر به لحاظ فیزیکی به سوی قلمرو روستایی در حال گسترش است (لیمینگ و سوزان، ۱۹۷۹). در مجموع از جمله ویژگی‌های پسرکرانه می‌شود به وجود مرزهای نامشخص از لحاظ فیزیکی و جغرافیایی، تغییر مشخصات اجتماعی و اقتصادی، "دورگه‌ای شدن" بین نقاط شهری و روستایی (حفظ بسیاری از ویژگی‌های محدوده‌های روستایی همراه با پیوندهای اجتماعی-اقتصادی با هسته شهر) و در نتیجه چندکارکردی شدن پسرکرانه و نواحی روستایی (برای نمونه در اسپانیا) اشاره کرد (انترنا، ۲۰۰۵).

در پروژه پلورل که با حمایت مالی اتحادیه اروپا و با همکاری ۱۴ کشور اروپایی و چین و از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ در همکاری با دانشگاه کپنهاگ صورت گرفت، گونه‌های فضایی اصلی در تعریف منطقه روستا-شهری عبارتند از نواحی شهری،

اولین بار در سال ۱۹۹۱ گارو اصطلاح "شهر-لبه" را در کتاب "شهر-لبه: زندگی در مرزهای جدید" با هدف اشاره به تأثیر محورهای رشد در امتداد بزرگراه‌های اصلی در ایالات متحده آمریکا به کار گرفت که "با فروشگاه‌های بزرگ تجاری، پارک‌های صنعتی، مجتمع‌های اداری بزرگ، بیمارستان‌ها، مدارس و گستره وسیعی از فروشگاه‌ها" در محدوده هاله کلانشهری در ارتباط است. به عقیده گارو، شهر-لبه، فرم شهر قرن بیستمی را نشان می‌دهد که هر چه بیشتر حومه‌های مسکونی را به دورتر از هسته‌های شهری سوق می‌دهد. شهر-لبه، موج سوم تاریخ شهری است که شهرنشینان را به جبهه جدیدی در لبه و حاشیه کلان‌شهرها هدایت می‌کند (گارو، ۱۹۹۹؛ گرگوری و همکاران، ۲۰۰۹). شهرهای لبه‌ای در محل تلاقی دو یا چند بزرگراه در خارج شهرهای بزرگ شکل می‌گیرند و شامل برج‌های اداری و ساختمان‌های بزرگ و محل استقرار بسیاری از کمپانی‌ها و شرکت‌ها، منابع، مراکز کار و خرید (گرلوفز، ۲۰۱۰) می‌شوند و اتکای زیادی به اتومبیل دارند (لوییز و همکاران، ۲۰۰۲). شهر لبه‌ها محل استقرار کارخانجات، ادارات بزرگ و مجتمع‌های خرید بوده و تولید رایانه و سیستم‌های هدایت هواپیما و مانند آن نیز در آن-ها رواج دارد. شهرهای لبه‌ای، محصول نیروهای اقتصادی و نشانگر اوج ارزش‌های فردی آمریکایی به شمار می‌آیند (واکر، ۱۹۹۴). هم‌چنین، ناحیه در حال گذار شهری به روستایی در بریتانیا که با مکان دفن زباله، انبار، فروشگاه‌ها و کارخانجات صنعتی متروک، پارک‌های اداری و اردوگاه کولی‌ها، زمین‌های گلف، اراضی پراکنده و اغلب نامنظم به‌عنوان اراضی لبه‌ای معرفی می‌شوند (شرد، ۲۰۰۲). در مجموع، با وجود تلاش برای

شایان ذکر است که شهرهای اقماری استقلال عملکردی (اداره عمومی، تجارت، صنایع و غیره) دارند، اما برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی به شهر اصلی مجاور خود وابسته‌اند (پرز و گونزالز، ۲۰۰۵).

#### حاشیه‌نشینی

حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که به طور کلی ناشی از تحولات اجتماعی، اقتصادی و روند شهرنشینی و شهرگرایی ناهمگون ایران، به ویژه در نیم‌قرن اخیر به شمار می‌آید. حاشیه‌نشینی با این مفهوم که خانوارها و افرادی که در محدوده شهرها، از نظر سکونت، بهداشت، خدمات عمومی و اجتماعی و تسهیلات زیربنایی شهری در شرایط نامطلوبی زندگی می‌کنند. در واقع حاشیه‌نشینی شهری پدیده‌ای است که در تمامی کشورهای در حال توسعه از دوران استقلال و اجرای برنامه‌های نوسازی و توسعه اقتصادی رخ داده است و به طور کلی در گسترش شتابان شهرنشینی ناموزون و آهنگ شتابان شهرگرایی ریشه دارد (حاج‌یوسفی، ۱۳۸۱). اسکان غیررسمی نیز یکی از چهره‌های بارز فقر شهری است که درون یا مجاور شهرها (به‌ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه رسمی شهرسازی یا تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد و با عناوینی همچون حاشیه‌نشینی، اسکان غیررسمی، سکونتگاه‌های خودرو و نابسامان و اجتماعات آلونکی نامیده می‌شود (صرافی، ۱۳۸۱). در واقع، اسکان غیر رسمی برنامه‌ریزی تهیدستان غیر متشکل شهری در جامعه‌ای است که برای تهیدستان برنامه‌ای وجود ندارد (پیران، ۱۳۸۰).

#### شهر لبه‌ای/اراضی لبه‌ای

به شهر نزدیکند نواحی پیراشهری نامیده می‌شوند، این روند با امکان‌پذیری رفت و آمد روزانه برای کار افزایش می‌یابد (مک‌گی، ۱۹۹۱). به‌نقل از آشنایی، (۱۳۹۳). این مناطق از طریق محورهای حمل و نقلی ارزان قیمت با مراکز شهری اصلی مرتبط هستند و در چنین مناطقی بیشترین فعالیت‌های اقتصادی کشاورزی و غیرکشاورزی در نواحی کاملاً روستایی اتفاق می‌افتد (گروه مطالعاتی دساکوتا، ۲۰۰۸). فرآیندهایی در مقیاس جهانی-اقتصاد سیاسی جهانی و تغییرات محیط-زیستی در مقیاس جهانی-بر دساکوتا تأثیر می‌گذارند. فشارهای محلی در نتیجه توسعه انسانی، فرآیندهای تاریخی در ارتباط با منابع آب و دیگر خدمات اکوسیستم نیز در طول زمان تأثیر خود را بر دساکوتا گذاشته است (گروه مطالعاتی دساکوتا، ۲۰۰۸). در پایان بحث اصلی نوشتار، مفاهیم مرتبط با فرآیندهای رشد و اشکال سکونتی در مناطق کلانشهری، در قالب جدول ۲ دسته‌بندی شده است که در ادامه آورده می‌شود.

حفظ ویژگی‌های روستایی و ایجاد "ریه سبز" برای برخی از شهر-لبه‌ها، لبه‌های مطبوع و مورد رضایتی ایجاد نشده است. نگرانی‌های مشابهی در مورد شهرهای وین، سنول، توکیو و آدلاید نیز گزارش شده است (گانت و همکاران، ۲۰۱۱).

### دساکوتا

مک‌گی (۱۹۹۱) برای اولین بار اصطلاح دساکوتا را مطرح کرده که برگرفته از زبان کشور اندونزی به معنای روستاشهر است. "دسا" به معنای نواحی روستایی و "کوتا" (به معنای شهر) است. مدلی توصیفی که ویژه نواحی پیرامونی کلانشهرهای آسیایی است. این کلانشهرها به طور کلی نواحی روستایی پیرامونی با تراکم جمعیتی بالایی دارند، به ویژه به سبب کشت برنج که همیشه به نیروی انسانی زیادی نیاز دارد. مدل دساکوتا با ترکیب شهرهای متوسط با توسعه‌های روستایی به منزله مدل شهرنشینی غیر متمرکز شناخته می‌شود. دساکوتا یک فرآیند تلفیقی از فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی و اتصال روستاها و شهرهای کوچک است. درون دساکوتا مناطقی که

جدول ۲: مفاهیم مرتبط با فرآیندهای رشد و اشکال سکونتی در مناطق کلانشهری

مفاهیم	موقعیت مکانی/توصیف	مشخصه
حومه/حومه‌نشینی	بخش یا ناحیه بیرونی شهر به همراه سفرهای آونگی، جدا از شهر مرکزی، اما وابستگی اقتصادی و اجتماعی به شهر مرکزی	- تبدیل زمین از روستایی به شهری - محیط کم‌تراکم با برتری طبقه متوسط به بالا، مسکن تک‌خانواری در میان فضای باز و سبز، تنوع حومه‌های جدید و جایگزینی حومه‌های صنعتی و طبقه‌کارگر با پارک‌های اداری و تحقیقاتی - متأثر از: جنبش باغ‌شهر، تقاضای مسکن، کاهش هزینه‌های تولید مسکن، برنامه‌های ساختمانی دولت، پیشرفت حمل و نقل، ساخت شاهراه‌ها و بزرگراه‌های بین ایالتی و تولید انبوه اتومبیل
هاله کلانشهری	پهنه و قلمرو پیرامون کلانشهر	- تعبیر گوناگون از آن؛ از حلیه‌آبادهای روستایی راکد تا مراکز رشد پویا با فعالیت‌های اقتصادی جدید هم در بخش شهری و هم روستایی - رواج مهاجرت گام به گام، اهمیت اقتصاد غیررسمی، ویژگی روستایی هاله و هجوم سازمان‌یافته یا تدریجی برای تصاحب زمین و تفکیک مجدد آن (به‌ویژه در کلانشهرهای آسیایی) - رشد شتابان جمعیت، منازعه و کشمکش بر سر زمین - حفظ برخی نواحی طبیعی در هاله و وضع محدودیت‌های برای افزایش جمعیت در آینده (به‌ویژه در آمریکا)
هاله روستا-شهری(هاله شهری/هاله روستایی)	- پهنه در حال تغییر بین شهر مرکزی و پسرکانه - بین نواحی شهری و حومه‌ای ساخته شده پیوسته از شهر مرکزی و پسرکانه روستایی	تغییر کاربری زمین در مدت کوتاه؛ الگوی کاربری زمین ناپایدار و قطعه قطعه شدن اراضی و...
هاله شهری: زیر پهنه هاله روستا شهری است که در مجاورت و پیوند با شهر مرکزی است پهنه کمربند مانند اطراف هسته شهری محیط پیرامونی ناحیه ساخته شده شهری و محدوده‌های خارجی شهر که به سوی یک ناحیه قابل کشت وسیع‌تر (زمین باز) یا ناحیه سبز گسترده شود	درهم آمیختگی کاربری زمین به همراه پراکندگی آن، نرخ بالای تغییر کاربری زمین؛ دارای تراکم مسکونی بالاتر نسبت به تراکم متوسط هاله روستا- شهری، نرخ بالای سفرهای آونگی، تغییر در شیوه‌های معیشت متأثر از: توسعه سیستم حمل و نقل، فن‌آوری‌های سطح بالا، سیاست دولت و برنامه‌ریزی شهری، رشد تقاضای مسکن	
- هاله روستایی: زیر پهنه هاله روستا شهری است که در مجاورت با هاله شهری است	نرخ پایین‌تر تغییر و تبدیل اراضی؛ دارای تراکم مسکونی کمتری از تراکم متوسط کل هاله روستا-شهری، نسبت بالاتری از مزارع، نرخ پایین‌تری از تراکم جمعیت، نرخ پایین‌تری از سفرهای آونگی	
پیرامون کلانشهر و فراسوی لبه شهر و درون محدوده- سفرهای آونگی کلانشهر	متأثر از تمرکززدایی در مقیاس بین منطقه‌ای (کلانشهر) و فرآیندهای منطقه‌ای (تفرق نهادی، تمرکززدایی اشتغال، تنوع اقتصادی) گسترش زیرساخت‌ها و توسعه وابسته به سیستم حمل و نقل تبدیل اراضی کشاورزی به شهری سکونت در اراضی و قطعات وسیع با تراکم پایین افزایش شاغلان بخش‌های خدمات و مشاغل تخصصی و حرفه‌ای سفرهای آونگی برای رسیدن به مرکز شهر و مراکز اشتغال	

ادامه جدول ۲

مفاهیم	موقعیت مکانی/توصیف	مشخصه
پادشهرنشینی(شهرگریزی)	حرم فضایی بین شهرگریزی و حومه‌نشینی مبهم و نامشخص است سبب پیشرفت فن‌آوری پاد-شهرنشینی به قرار گرفتن در فواصل معینی از مراکز کلانشهری محدود نمی‌شود، با این حال در فراسوی کلانشهر و در محدوده سفرهای آونگی کلانشهر قرار دارد	عوامل و نیروهای محرکه: نیروهای بازار اقتصاد جهانی؛ تمرکززدایی از جمعیت، عوامل دافعه و جاذبه مهاجرت؛ تصمیمات-خط‌مشی دولت مرکزی یا دولت محلی و در سطح محلی؛ بازار زمین، کیفیت محیط کالبدی و سکونتگاه، بازار مسکن، بازار اشتغال، فاکتورهای اجتماعی و در سطح اجتماع محلی (وجود آرامش خاطر و روابط انسانی)، دسترسی به مراکز اشتغال مشخصات: جابجایی خدمات و صنایع به نواحی روستایی، توسعه کشاورزی پاره وقت (موقت)، خانه‌های دوم و مهاجرت در ایام بازنشستگی
پیراشهر/نواحی پیراشهری / برخوردارگاه پیراشهری	زمین‌های مجاور لبه ناحیه شهری و ناحیه‌ای که از لبه شهر به سوی پسرکانه روستایی گسترده می‌شود قرارگیری در محدوده‌ی سفرهای آونگی برای دستیابی به مراکز اشتغال سپه‌نه در حال گذار بین شهر و نواحی پیرامونی آن	دینامیک‌ها: (۱) عوامل مؤثر بر گسترش شهر (نیروهای جمعیتی و اجتماعی، رشد اقتصادی و اشتغال، محرک‌های محیط‌زیستی، ساختارها و زیرساخت‌های شهری) (۲) انباشتگی‌های منطقه‌ای و پیوندهای شهری-روستایی (۳) نیروهای ساختاری و جهانی-محلی فشار بر منابع طبیعی و تخریب محیط زیست تغییر الگوی کاربری زمین؛ احتکار زمین موزائیکی ناهمگن از سیستم‌های کشاورزی، شهری و روستایی تغییر ساختار اقتصادی، تغییر از اقتصاد مبتنی بر کشاورزی به اقتصاد کارخانه‌ای؛ و تغییر ساختار اشتغال، از کشاورزی به تولیدی (صنعتی) به‌ویژه در چین گونه‌های قلمرو چندعملکردی تغییرات شتابان اجتماعی و اقتصادی پیراشهر: الگوی سکونتگاهی شهری/روستایی و گاهی نه شهر و نه روستا تعلق از برخوردارگاه پیراشهری به منابه لبه و پیرامون شهر، به منزله‌ی سیستم اجتماعی-اقتصادی، به مثابه تعامل جریان‌های روستایی-شهری و منظر نهادی
پسرکانه شهری/پسرکانه روستایی شهر	مرزهای نامشخص دارد، اما می‌توان پسرکانه روستایی را نواحی روستایی دانست که ناحیه پیراشهری را احاطه کرده است و درون منطقه روستا-شهری و قابل دسترسی در زمان رفت و آمد روزانه قرار دارد	-تغییر در کاربری زمین؛ وابستگی سازمان‌ها و مردم به شهر، چندکارکردی بودن پسرکانه، غلبه‌ی نواحی مسکونی حفظ ویژگی‌های روستایی در برخی موارد، از این‌رو عموماً ویژگی روستایی‌شان تحت تأثیر سبک زندگی شهری قرار می‌گیرد -دامنه‌ی نفوذ و شعاع پرتوافشانی پسرکانه‌ی کلانشهرها عموماً فراسوی شهرها و مناطق پیرامونی است
شهرهای اقماری	در درون حوزه کلانشهرها	-گونه‌ای از شهرهای جدید و گاهی جدا از مراکز کلانشهر توسط کمربندهای سبز؛ کاربری عمدتاً مسکونی استقلال نسبی (استقلال در برخی عملکردها)، اما برای توسعه اقتصادی وابسته به شهر اصلی سبا هدف تمرکززدایی از شهرهای بزرگ و کنترل رشد جمعیتی و کالبدی شهرهای بزرگ

مشخصه	موقعیت مکانی / توصیف	مفاهیم
<p>-بدمسکنی، شرایط نامطلوب از نظر خدمات اجتماعی و تسهیلات زیربنایی شهری</p> <p>*عوامل مؤثر در سطح کلان، میانه و خرد:</p> <p>-ساز و کار تبعیض آمیز و فقرزا بر پایه توزیع ناعادلانه منابع قدرت، ثروت و درآمد</p> <p>- عدم تعادل‌های منطقه‌ای</p> <p>- ضعف برنامه‌ی بخشی مؤثر برای پاسخگویی به نیاز کم‌درآمدها</p> <p>- عدم پیش‌بینی فضاهای کافی برای کم‌درآمدها در طرح‌های شهری</p> <p>-وجود باندهای قدرت نامشروع و سوداگر و عدم نظارت کافی</p> <p>- فقدان نهادهای ساز برای تجهیز و تجمیع منابع اقشار کم درآمد</p>	<p>اغلب در پیرامون (خارج از محدوده) شهرها</p>	<p>حاشیه‌نشینی</p>
<p>- به مثابه موج سوم شهرنشینی و محصول نیروهای اقتصادی -اراضی لبه‌ای به‌عنوان اراضی پراکنده و نامنظم، مکان دفن زباله، انبار، فروشگاه‌ها و کارخانجات صنعتی متروک، پارک‌های اداری و اردوگاه کولی‌ها، زمین‌های گلف</p> <p>-وجود کاربری‌ها و امکاناتی مانند فروشگاه‌های بزرگ تجاری، پارک‌های صنعتی، مجتمع‌های اداری بزرگ، بیمارستان‌ها، مدارس و گستره وسیعی از فروشگاه‌ها، ایجاد ریه‌های سبز در شهرلبه‌ها</p>	<p>در امتداد بزرگراه‌های اصلی و محورهای رشد و دور از مرکز کلانشهری و مرکز شهر</p> <p>- ناحیه در حال گذار از شهری به روستایی</p>	<p>شهر لبه‌ای / اراضی لبه‌ای</p>
<p>-قابلیت دسترسی ارزان به حمل و نقل و اتوبوس برای مسافت‌های دور؛ عدم رعایت مقررات و ضوابط شهری</p> <p>-ترکیب فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی و ساختار اقتصادی در حال تغییر؛ بخش‌های رسمی و غیر رسمی</p> <p>-متحرک بالای جمعیت؛ از رشد متوسط جمعیت در آسیای جنوبی تا رشد شتابان در چین</p> <p>-کار در صنایع کوچک و بزرگ و مزارع برنج</p> <p>-شکاف درآمدی و نابرابری جنسیتی</p>	<p>دساکوتا</p>	<p>دساکوتا</p>

تنظیم: نگارندگان

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری پدیده‌هایی تحت عنوان دساکوتا و شهر لبه‌ای نیز منجر می‌شود که بحث پایانی مفهوم‌شناسی نوشتار حاضر را به خود اختصاص داد. آنچه از مطالب ارائه شده در این نوشتار استنتاج می‌شود به شرح زیر است:

-کلانشهرها تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی به سوی نواحی پیرامونی خود گسترش می‌یابند و در این روند منجر به شکل‌گیری اشکال سکونت و فعالیت با ویژگی‌های مختص به خود می‌شوند و در این میان حومه‌ها را متأثر می‌سازند. حومه‌ها که در ابتدای امر به‌عنوان آرمان‌شهر حومه‌ای (به-ویژه در آمریکا) به منصفه ظهور رسیدند، به مرور زمان و با زوال حومه‌های قدیمی و صنعتی جای خود را به حومه‌های جدید با پارک‌های اداری و

در این نوشتار مفاهیم مرتبط با فرآیندهای فضایی رشد و اشکال سکونتی در مناطق کلانشهری در ۴ عنوان حومه‌نشینی، فرانشهرنشینی، پادشهرنشینی (شهرگریزی) و پیرانشهرنشینی مورد تحلیل قرار گرفت. هاله کلانشهری به مثابه بازتاب حومه‌نشینی در ذیل این عنوان به بحث گذاشته شد. مجموعه عوامل و سیاست‌هایی موجب شتاب-گرفتن روند پیرانشهرنشینی می‌شوند که در این نوشتار پسکرانه، حاشیه‌نشینی و شهرهای اقماری به‌عنوان نمودی از این روند گسترش و در ادامه پیرانشهرنشینی مورد تحلیل قرار گرفت، ضمن آنکه از الگوی سکونتگاهی مجزایی تحت عنوان "عرصه‌های نه شهر-نه روستا" یاد کردیم. اما، فرآیندهای فضایی رشد در مناطق کلانشهری به



این زمینه به دست نمی‌دهد. هم‌چنین مهاجرت بازنشستگان به نواحی روستایی به منظور بهره‌گیری از مطلوبیت‌های محیطی از مهم‌ترین دلایل شهرگزیزی در کشورهای غربی محسوب می‌شود، ضمن آنکه نیروهای اقتصاد جهانی نیز از محرک‌های اصلی به شمار می‌آیند که مطابقت آن با کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه ایران به بررسی بیشتری نیاز دارد. بنابراین، توجه به عواملی همچون تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌های دولت، تمرکززدایی از جمعیت و فعالیت‌ها، عوامل جاذبه و دافعه جمعیت و دسترسی به مراکز اشتغال جامعیت بیشتری دارد.

- بسیاری از محدوده‌ها و نواحی که در آمریکای شمالی و اروپا به منزله برخوردارگاه روستایی-شهری شناخته می‌شوند و یا مفهوم پیراشهر که در ادبیات انگلیسی به‌عنوان هاله شهری شناخته می‌شود، به شهرهای لبه‌ای یا چشم‌اندازهای پسا-حومه‌نشینی در حال تغییرند (ادل، ۱۹۹۹). رویهم‌رفته، عوامل و نیروهای تأثیرگذار بر نواحی پیراشهری عبارتند از:

۱) عوامل مؤثر بر گسترش شهر (نیروهای جمعیتی و اجتماعی، رشد اقتصادی و اشتغال، محرک‌های محیط‌زیستی، ساختارها و زیرساخت‌های شهری، ۲) انباشتگی‌های منطقه‌ای و پیوندهای شهری - روستایی، ۳) نیروهای ساختاری و جهانی - محلی. در این میان تأثیر جهانی شدن بر نواحی پیراشهری کشورمان نیاز به بحث و بررسی بیشتری دارد. با این حال، در ایران نبود برنامه‌ریزی منطقه‌ای، نارسایی نظام مدیریت کلان و منطقه‌ای، سیاست‌های کلان و طرح‌های بالادستی نقش مهمی در شکل‌گیری پیراشهر و گسترش نواحی پیراشهری دارند. نکته مهم آنکه، مطالعات شهر و پیرامون از در نظر گرفتن شهر و روستا در جایگاه دو پدیده فضایی مجزا به سوی

مانند آن می‌دهند. در واقع، آنچه حومه‌های امروزی را از گذشته متمایز می‌سازد، کارکردهای متنوع آن است، اگرچه وابستگی اقتصادی حومه به شهر اصلی درخور تأمل است. در مجموع، رشد و گسترش حومه‌ها در کشورهای گوناگون متأثر از جنبش باغ‌شهر، تقاضای مسکن، کاهش هزینه‌های تولید مسکن، برنامه‌های ساختمانی دولت، پیشرفت حمل و نقل، ساخت شاهراه‌ها و بزرگراه‌های بین ایالتی و تولید انبوه اتومبیل بوده است. افزون بر اینکه حومه‌ها از عوامل بالا متأثر می‌شوند در روند گسترش خود به شکل‌گیری هاله (کلانشهری/روستا-شهری) منجر می‌شوند. در میان واژگان مورد بررسی در این نوشتار هاله بیش از هر مفهوم دیگری ویژگی تنوع به خود می‌گیرد که این تنوع و ناهمگونی در ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی و هم‌چنین الگوهای کاربری اراضی به منصف ظهور می‌رسد. اما، سکونتگاه فراشهری از جمله دیگر اشکال سکونت و فعالیت در منطقه کلانشهری است. فراشهر به مثابه بخشی از یک سیستم شهری از روند تمرکززدایی در مقیاس بین‌منطقه‌ای (کلانشهر) و فرآیندهای منطقه‌ای (تفرق نهادی، تمرکززدایی اشتغال و تنوع اقتصادی)، گسترش زیرساخت‌ها به شدت متأثر است. هم‌چنین، افزایش شاغلان بخش‌های خدمات و مشاغل تخصصی و حرفه‌ای، سفرهای آونگی برای رسیدن به مرکز شهر و مراکز اشتغال برخی از مشخصه‌های فراشهرنشینی محسوب می‌شود.

-مجموعه عواملی در شکل‌گیری پادشهرنشینی (شهرگزیزی) در منطقه کلانشهری دخیل است که شناخت آن اهمیت دارد. تاکنون در بررسی فرآیند پادشهرنشینی بیشتر به جمعیت و رابطه آن با اندازه سکونتگاه و مهاجرت تأکید شده است، حال آنکه تکیه صرف بر جمعیت تبیین درستی را در

کمربندهای سبز از شهر اصلی جدا می‌شوند، از این‌رو، به منزله عناصر کالبدی منفصل در بافت شهری ظاهر می‌شوند، هم‌چنین خوداتکایی چنین شهرهایی محل تردید است. این شهرها به‌ویژه در کشورهای آسیای شرقی در اراضی مزروعی (کشت برنج) ایجاد و مکان‌یابی شده‌اند. حاشیه‌نشینی نیز که ناشی از تحولات اجتماعی، اقتصادی و شهرگرایی ناهمگون است در درون یا مجاور شهرها (به‌ویژه شهرهای بزرگ) شکل می‌گیرد. رویهم‌رفته، عواملی در سطوح کلان، میانه و خرد به شکل‌گیری این روند شتاب می‌بخشند که شناخت این عوامل از مهم‌ترین ضروریات است، با ذکر این نکته که نمی‌شود از موفقیت در برنامه‌ریزی و مدیریت سکونتگاه‌های حاشیه‌ای سخن گفت، اما از اسکان کم‌درآمدها چشم‌پوشی کرد.

در پایان مفاهیم و واژگان مورد بررسی در این نوشتار از پیکره‌بندی‌های فضایی متفاوتی تحت عنوان «دساکوتا» و «شهر لبه‌ای» نام بردیم. شهر لبه به مثابه فرم قرن بیستمی و با تأثیرپذیری از محورهای رشد در امتداد بزرگراه‌های اصلی (آمریکا) هر چه بیشتر حومه‌های مسکونی را به دورتر از هسته‌های شهری سوق می‌دهد. از شهر-لبه، به منزله موج سوم تاریخ شهری یاد می‌شود که شهرنشینان را به جبهه جدیدی در لبه و حاشیه کلان‌شهرها هدایت می‌کند. با توجه به آثار بر جای مانده از جنگ جهانی دوم و وجود کاربری‌های نامطبوع امروزه تلاش می‌شود با ایجاد کاربری‌های اداری و مراکز خرید و نیز ریه‌های سبز لبه‌های مطبوعی برای شهر ایجاد کنند که عموماً چنین نتیجه‌ای کمتر حاصل شده است با این حال شهر-لبه‌ها هر چه بیشتر ساختار اداری-شرکتی به خود می‌گیرند. شایان ذکر است که مصادیق عینی بسیاری از مفاهیم مورد بررسی در این نوشتار را می‌توان در کشورهای توسعه یافته و

پیوستگی این دو حرکت کرده است. در این میان نواحی پیراشهری گاه به منزله نواحی شهری همراه با ویژگی‌های روستایی به شمار می‌روند و زمانی دیگر به مثابه شهرنشینی آشفته که منجر به پراکنده‌روی می‌شوند. در انطباق با وضعیت و شرایط ایران، به‌ویژه منطقه کلانشهری تهران به نظر می‌رسد بتوان چنین محیط‌هایی را "عرصه‌های نه شهر و نه روستا" نامید. لازم به‌ذکر است که در ناحیه پیراشهری غالباً رقابتی حذفی بین شهر و روستا صورت می‌گیرد که تداوم چنین روندی به زیان روستا و تخریب اراضی کشاورزی منجر می‌شود.

در بخشی از نوشتار حاضر از پسرکانه، شهرهای اقماری و حاشیه‌نشینی به‌عنوان نمود روند شتابان پیراشهرنشینی نام برده شد. در توضیح و تعریف پسرکانه باید احتیاط بیشتری به خرج داد، از آن‌رو که این مفهوم با بسیاری از مفاهیم دیگر درآمیخته شده است. در نظر گرفتن قلمرو پیرامونی شهر به‌عنوان پسرکانه بر دامنه پیچیدگی و سر درگمی آن با مفهوم هاله (شهری/روستا-شهری) می‌افزاید. این ویژگی هنگامی سرشت پیچیده‌تری به خود می‌گیرد که دریا بیم با تغییر مشخصات اجتماعی-اقتصادی، تعیین مرز دقیق بین شهر و پسرکانه مشکل‌تر می‌شود. با این حال، پیوند پسرکانه از لحاظ اجتماعی-اقتصادی با هسته شهر و چند کارکردی‌شدن کشاورزی، از جمله ویژگی‌های غالب پسرکانه به‌ویژه در کشورهای توسعه یافته محسوب می‌شود. دیگر آنکه، دامنه نفوذ و تأثیرگذاری پسرکانه کلانشهرها گاه از مرزهای شهر و منطقه فراتر رفته و سراسر فضای ملی را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد. شهرهای اقماری نیز با هدف محدود کردن سرریز رشد مراکز کلانشهری و با استقلال عملکردی ایجاد شدند. چنین شهرهایی عمدتاً به‌وسیله

شهر از مسائل مهمی است که ضرورت حکمروایی زمین در چنین عرصه‌هایی را آشکار می‌سازد. هم-چنین با توجه به حضور کنشگران گوناگون، نیز نهادهای گوناگون دخیل در تصمیم‌گیری‌ها و تفرق نهادی که از آن سخن رفت، مدیریت روابط نهادی و حکمروایی پیراشهری امری ضروری است. بدین‌سان، بر مبنای مجموع مطالب ارائه‌شده در این نوشتار می‌توان گفت که توجه به معیارهای کالبدی در بررسی و دسته‌بندی مفاهیم شهر و پیرامون ناکافی به نظر می‌رسد، زمانی چنین مطالعه‌ای کامل‌تر می‌شود که معیارهای کالبدی با معیارهای کارکردی و عملکردی (الگوهای اشتغال و یا زمان سفر از مراکز شهری و غیره)، به‌ویژه جریان‌های روستایی-شهری (جریان مهاجرت، سرمایه، اطلاعات، پسماند، نیروی کار، تجارت، روابط نهادی و مانند آن) و تبلور آن در پیوندهای شهر و روستا تکمیل شود.

در حال توسعه مشاهده کرد" اما این موضوع لزوماً به معنای انطباق الگوها با یکدیگر نیست، چه بسا به دلیل ویژگی‌های گونه‌گون نواحی و چشم‌اندازها چنین انطباقی خالی از اشکال نخواهد بود. برای نمونه بررسی مدل دساکوتا روند متوسط شهرنشینی در آسیای جنوبی تا رشد شتابان آن در چین را نشان می‌دهد. صنعتی‌شدن روستا در چین موردی است که مدل دساکوتا را از سایر مناطقی که چنین مدلی با الگوی شهرنشینی آن مطابقت داده شده است را متمایز می‌سازد. اما آنچه که از مدل دساکوتا به‌عنوان نقطه اشتراک آن حاصل می‌شود پیامدهای اجتماعی آن همچون افزایش شکاف جنسیتی و نابرابری درآمدی است. در مجموع، تخریب اراضی کشاورزی در نتیجه گسترش شهری، ویژگی مشترک و خصیصه بنیادین تمامی مفاهیم مورد بررسی در این نوشتار محسوب می‌شود. روابط نهادی (برخوردها و تفرق نهادی)، به‌ویژه مالکیت زمین در نواحی پیرامونی

## منابع

-پیران، پ.، موسوی، م. و شیانی، م.، ۱۳۸۵. کارپایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۹-۴۴.

-حاج یوسفی، ع.، ۱۳۸۱. حاشیه‌نشینی شهری و فرآیند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی)، هفت-شهر، سال سوم، دوره ۱، شماره ۸، ص ۱۲-۲۴.

-صرافی، م.، ۱۳۸۱. به سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی- از حاشیه‌نشینی تا متن شهرنشینی، هفت‌شهر، سال سوم، شماره ۸، ص ۵-۱۱.

-لاله‌پور، م. و سرور، ه.، ۱۳۹۳. «بررسی نقش نظام مدیریت و برنامه‌ریزی در سازماندهی فضایی جمعیت و فعالیت در منطقه کلانشهری تهران»،

-آشنایی، ت.، ۱۳۹۲. تحلیل پیامد سیاست‌های هدایت و کنترل رشد بر روند پیراشهرنشینی در هاله کلان‌شهری تهران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علم و صنعت، گروه شهرسازی.

-آشنایی، ت.، دانشپور، س. ع. و صرافی، م.، ۱۳۹۴. تأثیر تحولات پیراشهرنشینی بر دگرگونی زمین‌های مستعد زراعی و اهمیت آن در برنامه-ریزی و مدیریت حریم مصوب ۱۳۸۵ تهران، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال هفتم، شماره دوم، ص ۱۸۷-۲۱۰.

-پیران، پ.، ۱۳۸۰. تحلیل جامعه‌شناختی از مسکن شهری در ایران: اسکان غیر رسمی، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۶، ص ۲۷-۴۷.

-یزدانی، م.ح.، نظریان، ا. و پوراحمد، ا.، ۱۳۸۶. بررسی شهرنشینی دیفرانسیل در ایران، مدرس علوم انسانی، شماره ۵۰، ص ۱-۲۴.

جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، شماره ۱۱، ص ۱۰۵-۱۲۶.

-نوروزی، ر.ع. و بیدهندی، م.، ۱۳۸۹. عاملیت انسان در رویکرد کیفی پژوهش، راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۴، ص ۱۸۷-۲۰۶.

-Adell, G., 1999. Theories and Models of the Peri-urban Interface: A Changing Conceptual Landscape, Strategic Environmental Planning and Management for the Peri-urban Interface, Research Project, Development Planning Unit (DPU) University College London, 46 p.

-Allen, A., Da Silva, N. and Corubolo, E., 1999. Environmental Problems Opportunities of The Peri-Urban Interface and Their Impact Upon The Poor, Strategic Environmental Planning and Management for the Peri-urban Interface Research Project, Development Planning Unit (DPU) University College London, 46 p.

-Allen, A., 2003. Environmental planning and management of the peri-urban interface: perspectives on an emerging field”, Environment and Urbanization, v. 15(1), p. 135-148.

-Bailey, A.R., 2005. Suburb, in Encyclopedia of the City, Edited by Roger W.Caves, Routledge, p. 640-642.

-Buxton, M. et al., 2006. Change and Continuity in Peri-urban Australia: State of the Peri-urban Regions – A Review of the Literature”, Monograph 1 – Change and Continuity in Peri-Urban Australia, RMIT University, 225 p.

-Browder, J.O., Bohland, J.R. and Scarpaci, J.L., 1995. Patterns of development on the metropolitan fringe; urban fringe expansion in Bangkok, Jakarta, and Santiago, Journal of the

American Planning Association, v. 61(3), p. 310-327.

-Champion, A.G., 1989. Counterurbanization in Britain, The Geographical Journal, v. 155(1), The Royal Geographical Society with the Institute of British Geographers, p. 52-59.

-Clark, J., Munroe, D. and Irwin, E., 2006. Exurban settlement pattern and the exurban condition: A typology of us metropolitan areas”, Paper presented at the 53rd Annual North American Meetings of the Regional Science Association, November 16, 26 p.

-Csatári, Bálint& Jenő Zsolt, Farkas& József, Lennert., 2013. Land Use Changes in the Rural-Urban Fringe of Kecskemét after the Economic Transition, Journal of Settlements and Spatial Planning, v.4(2), p. 153-159.

-Esparza, A. and Carruthers, J.I., 2000. Land Use Planning and Exurbanization in the Rural MountainWest Evidence from Arizona, Journal of Planning Education and Research, 20, p. 23-36.

-Entrena, F., 2005. Urban spread effects and rural change in: city hinterland, Chapter 5, edited by Hoggart, Keith, The city hinterland : dynamism and divergence in Europe's peri-urban territories, England, Ashgate Publishing Ltd, p. 95-115.

-Feaver, I.J., 1982. Social injustices to farmers in the Rurban Fringe, International Journal of Environmental Studies, v. 19(2), p. 109-115.

- Feng, X., 2004. Modelling the Spatial Pattern of urban fringe, Case Study: Hongshan, Wuhan, Thesis submitted to the International Institute for Geo-information Science and Earth Observation for the degree of Master of Science, International Institute for Geo-information Science and Earth Observation Enschede, The Netherlan, 80 p.
- Fielding, A.J., 1989. Migration and Urbanization in Western Europe Since 1950, *The Geographical Journal*, v. 155(1), p. 60-69.
- Firey, W., 1973. Ecological considerations in planning for rurban fringe, *JSTOR American Sociological Review*, v. 11(4), p. 411-423.
- Fisher, T., 2003. Differentiation of Growth Processes in the Peri-urban Region: An Australian Case Study, *Urban Studies*, v. 40(3), p. 551-565.
- Fishman, R., 1987. Bourrgeois Utopias of Suburbia" from Bourrgeois Utopias: The Rise and Fall of Suburbia, Basic book, New York, p. 3-17.
- Garreau, J., 1991. Edge city: life on the new frontier, Publication: Anchor; [on line]: Doubleday, 576 p.
- Gant, R., Robinson, G.M. and Fazal, S., 2011. Land-use change in the edgelands: Policies and pressures in London"s rural-urban fringe, *Land Use Policy*, v. 28, p. 266-279.
- Gerlofs, B., 2010. Producing Edge City: Publics, Perceptions, and the Right to Life on the New Frontier, *Geography, Theses, Paper 1*, degree of Master of Arts in Geography in the Graduate School of Syracuse University December 2012, Syracuse University Surface, Maxwell School of Citizenship and Public Affairs, 147 p.
- Geyer, H.S. and Kontuly, T., 1993. A Theoretical Foundation for the Concept of Differential Urbanization, *International Regional Science Rn'ieu*, v.15(2), p. 157-177.
- Gregory, et al., 2009. Edge City, in the dictionary of human geography, 5th edition, Blackwell Publication, 186 p.
- Hudalah, D., 2010. Peri-urban Planning in Indonesia Contexts, approaches and institutional capacity, ter verkrijging van het doctoraat in de Ruimtelijke Wetenschappen aan de Rijksuniversiteit Groningen, 170 p.
- Leeming, F. and Soussan, J., 1979. Structures at the fringe of the city, Edited by Lengye I, Peter, *International social science journal*, v. (2), p. 273-281.
- Lewis, J.H et al., 2002. Exploring Edge Cities: Report of a National Survey of Senior Planners", Institute for Metropolitan Affairs Roosevelt University, 47 p.
- Madsen, M.F. et al., 2010. Urbanisation of rural areas: A case study form Jutland", Denmark", *Geografisk Tidsskrift-Danish Journal of Geography*, v. 110(1), p.47-63.
- Maneepong, C. and Webster, D., 2008. Governance responses to emerging peri-urbanisation issues at the global-local nexus, The case of Ayutthaya, Thailand, *IDPR*, v. 30 (2), p. 133-154.
- Masum, F., 2009. Urban Fringe Management and Role of Good Governance: Integrating Stakeholders in Land Management Process, 7th FIG Regional Conference Spatial Data Serving People: Land Governance and the Environment – Building the Capacity, Hanoi, Vietnam, 19-22 October, 11 p.
- Mitchell, J.K., 1976. Adjustment to New Physical Environments beyond the Metropolitan Fringe", *Geographical Review*, v. 66(1), p. 18-31.
- Nelson, A.C. and Sanchez, T. W., 1997. Exurban and Suburban Households: A Departure from Traditional Location Theory? *Journal of Housing Research*, v. 8(2), p. 249- 276.

- Nengroo, Z.A., 2011. Dynamics of Land use Change in Rural-Urban Fringe-A Case Study of Srinagar City, Degree of Master of Philosophy (M. Phil.), Department of Geography & Regional Development, University of Kashmir, 122 p.
- Pérez, G.M.J. and Gonzalez, R.C.L., 2005. Satellite Towns, in: Encyclopedia of the City, Edited by Roger W. Caves, Routledge, p. 582-584.
- Piorr, A. and Ravetz, J., 2011. Peri-urbanisation in Europe Towards European Policies to Sustain Urban-Rural Futures”, Published by Forest & Landscape University of Copenhagen, p.10-34.
- Pryor, J.R., 1968. Defining the Rural-Urban Fringe, Social Forces, v. 47, p. 202-215.
- Ravetz, J., Fertner, C. and Thomas, S.N., 2013. The Dynamics of Peri-Urbanization, K. Nilsson et al. (eds.), in: Peri-urban futures: Scenarios and models for land use change in Europe, p.13-44.
- Shoard, M., 2002. Edgelands in Remaking the Landscape: The Changing Face of Britain, edited by Jenkins, Jennifer, Profile Books Ltd, p.1-20.
- Short, J. R., Hanlon, B. and Vicino, T.J., 2007. The Decline of Inner Suburbs: The New Suburban Gothic in the United States, Journal Geography Compass, Blackwell Publishing Lt, Oxford, v.1(3), p. 641-656.
- Sorensen, A., 2001. Subcentres and Satellite Cities: Tokyo's 20th Century Experience of Planned Polycentrism, International Planning Studies, v. 6(1), p. 9-32.
- Stoica, I., Tălângă, C. and Zamfir, D., 2010. Urban-Rural Interface: General Remarks, Application in the Romanian system of settlements”, Tomxx, no. 2/2010, Analele Universitat ii din Oradea-seria Geographie, p. 238-245.
- Sutton, P.C., Cova, T.J. and Elvidge, C.D., 2006. Mapping “Exurbia” in the Conterminous United States Using Nighttime Satellite Imagery, Geocarto International, v. 21(2), p. 39-45.
- The Desakota Study Team, 2008. Re-imagining the Rural-Urban Continuum, Understanding the role ecosystem services play in the livelihoods of the poor in desakota regions undergoing rapid change, Institute for Social and Environmental Transition – Nepal, 102 p.
- Walker, R., 1994. Edgy Cities, Technoblurbs and Simulcrumbs: Depthless Utopias and Dystopias on the Sub-urban Fringe, Annual Colloquium Series: The City, University of California, Center for Social Theory and Comparative History, 33 p.
- Willis, K.D., 2009. Squatter Settlements, in: International Encyclopedia of Human Geography, Editors-in-Chief: Rob Kitchin, Nigel Thrift, v. 10, p. 403-408.

#### پیوست

- Counter-urbanisation: پادشهرنشینی (شهرگریزی):
- Peri-urbanisation: پیراشهرنشینی:
- Peri-Urban Areas: پیراشهری:
- Rural Hinterland: پسکرانه روستایی:
- Suburban utopia: آرمانشهر حومه‌ای:
- Typology: ارائه گونه‌شناسی:
- Gypsy Encampments: اردوگاه کولی‌ها:
- Peri-Urban Interface: برخوردگاه پیراشهری:
- Interface: برخوردگاه:

- شهر-لبه: زندگی در مرزهای جدید  
 Edge City: Life on the New Frontier  
 -عمدتاً معیشتی: Food Crop Land  
 -عرصه‌های نه شهر و نه روستا: Neither Urban  
 and Nor Rural Areas  
 -فرآیندهای واگذاری زمین: Land Transfer  
 Process  
 -فراشهرنشینی: Exurbanization  
 -کمیسیون بارلو: Barlow Commission  
 -کشت نقدی (برای فروش): Cash Crop Land  
 -لوئیزیانا: Louisiana  
 -مکان دفن زباله: Rubbish Tips  
 -مهاجرت گام به گام: Step-wise Migration  
 -منطقه‌ای و پیوندهای شهری-روستایی:  
 Regional Agglomeration and Urban-  
 Rural Linkages  
 -مرحله‌ی آغاز نخست شهری: Early Primate  
 City Stage  
 -مرحله‌ی میانی نخست شهری: Intermediate  
 Primate City Stage  
 -مرحله پیشرفته نخست شهری: Advanced  
 Primate City Stage  
 -نه شهری است و نه روستایی: Neither Urban  
 Nor Rural  
 -واگرایی قطبی: Polarization reversal  
 -همگونی حومه‌ای: Suburban conformity  
 -هاله کلانشهری: Metropolitan Fringe  
 -هاله روستا-شهری: Rurban Fringe  
 -هاله شهری/روستایی: Rural Fringe/ Urban  
 -پسکرانه شهری/پسکرانه روستایی شهر: City  
 Hinterland/ Rural Hinterland of the  
 Ciity  
 -پروژه‌ی پلورل: Plurel  
 -پهنه در حال گذار: Transitional Zone  
 -توسعه‌گران: Developers  
 -تفرق اداری و سازمانی: Governmental  
 Fragmentation  
 -تی. ال. اسمیت: L. Smith's.T.  
 -تنوع حومه‌ای: Suburban diversity  
 -تأثیر جهانی‌شدن: Globalization  
 -جذاب: Moral  
 -چندکارکردی: Multi-functionality  
 -حومه‌نشینی: Suburb /Suburbia  
 /Suburban /Suburbanization  
 -حلبی‌آبادهای روستایی راکد: Stagnant  
 Peasant Shantytowns  
 -حکمرمایی فضایی: Spatial Governance  
 -دوگانگی حومه‌ای: Suburban dichotomy  
 -دورگه‌ای شدن: Hybridization  
 -دساکوتا: Desakota  
 -ریه سبز: Green lung  
 -شهرهای لبه‌ای: Edge Cities  
 -شهرنشینی دیفرانسیل: Differential  
 Urbanization  
 -شهرنشینی: Urbanization  
 -شهرهای کوچک: Small city stage  
 -شهرهای اقماری: Satellite Cities  
 -شهر لبه‌ای/اراضی لبه‌ای: Edge City  
 Edgeland/